

ح - اساس - حرکت - صبح - حیوان - فوش کل

محدود - حوله - صیانه - صدمت - راحت - زحمت

تفریح - مشرات - استراحت - کلزون - تمام

کلزون حیوان فانه به دوش است

علی و محمد برادر هستند

اسم پیامبر ما محمد است

بعد از خوردن صیانه با فوش مالی به سمت مدرسه حرکت

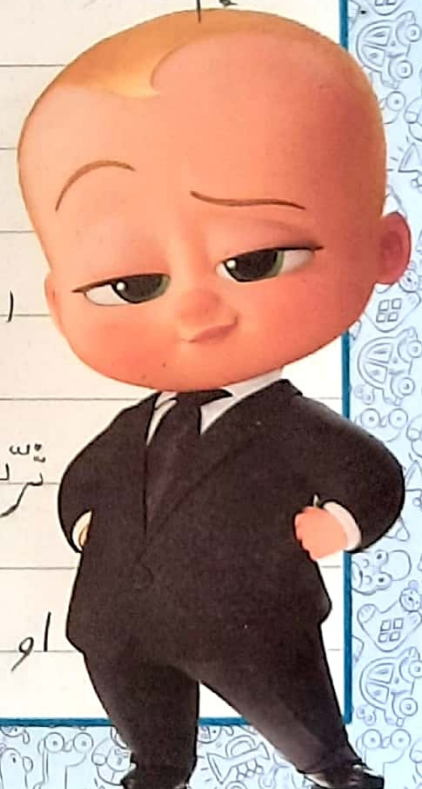
کردیم - ثرت - ثریا - مثلث - کثیف - لته - تانیه - باعث

مثل - مبعث - ثروتمند - ثریا کلاس اوئل

است - او مثل فواهرش پاکیزه است

ثریای می داند که میوه می کثیف باعث بیماری می شود

او مثل آهه تندی دود ✓



مسواک لته ها را سالم نگه می دارد.

ثریا با صابون دست و صورتش را می شوید.

شورین میوه باعث سلامتی می شود.

نورمان باعث روشن شدن زمین می شود.

ما بعد صبح را جشن می گیریم.

س ع ع ع علی - محصوم - هلم - شروع

جمع - شمع - ساعت - عید - نوروز - مزرعا - دعا - بعد

عمو - عا - عینک - اقربا - مربع - شهاب - عزیز

ما هر کاری را با نام خدا شروع می کنیم.

ما بعد از درس وسایل خود

را جمع می کنیم ✓

ما در بعد از نماز دعا
می خواند



عمومی علی کشا و زر است .

کشا و زران در مزاج گندم و صبه می کارند .

د - گذشته - اذان - لذت - آذر - می گذارند -

تذری - پذیرایی - اذیت - گذاشتم - پذیر

از دیدن کوه ها و چشمه ها لذت بردم .

تأبستان گذشته با مسافرت رفتیم .

بچه ها از بازی لذت می بردن .

من و سایل خود را در پای منصوص می گذارم .

با سنبل صدای اذان پدرم می بود .

صدا - صدای - منصوص - صوتی

صورت - صاف - صابون -

صندوق - صدف - فصل



صد - شصت - صبر

آسمان صاف و آبی دریا قلی نریا و تاشایی
است - فروردین ماه لؤل فصل بهار است
کنار دریا صدف های صورتی داریم

در زمستان های هوا به صفر می رسیده
مادر بزرگ یک صندوق قدیمی دارد

بهار عالی
بسم الله الرحمن الرحیم
۱۱۴

بسم محمدیات عیدم بود
(محمدی)

